

بررسی قواعد آمره حقوق بین الملل در اعمال حکومت قانون بر شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ قوت بنیادین یا ضعف ساختاری



علی اصغر مدبر^۱

چکیده

قاعده آمره حقوق بین الملل مبین مفهوم حقوقی جامعه بین المللی در صورت تحول یافته امروزی است؛ چنین می نماید، که این جامعه در حال حاضر تا حدودی از پراکنده گی و گسیخته گی به در آمده و به راستی تابع حقوق بین الملل شده است. جامعه بین المللی امروزی با تحولاتی که در آن پدید آمده، هویت خود را در ارزش هایی یافته است که موجودیتش بر آن ها متکی است. نگارنده با طرح این مسأله، ضمن بررسی لزوم رعایت قواعد آمره از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد، خواسته به این پرسش پاسخ بیابد که: آیا شورای امنیت به تعهدات خویش در زمینه رعایت قواعد آمره عمل نموده است؟ فرض پنداشته شده است که باتوجه به پیش بینی نظام استنادی در زمینه رعایت قواعد آمره شورای امنیت در برخی از وقایع به رعایت این قواعد عمل نموده است و در برخی از وقایع دیگر امتناع ورزیده است؛ براین اساس محقق با استفاده از روش هرمونوتیک حقوقی و نظریه حقوقی (تحلیل حقوقی، تناقض ها و تعارض ها و تحلیل محتوایی حقوق) به این نتیجه رسیده است که: براساس روی کرد استنادی، شورای امنیت ملزم به رعایت قواعد آمره بین المللی است؛ اما طبق روی کرد رویه شورای امنیت مشاهده می شود که رعایت قواعد حقوق بین الملل عام و منشور ملل متحد از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد ثابت نبوده است.

واژه‌گان کلیدی: جامعه بین المللی، حقوق بین الملل، شورای امنیت، قاعده آمره، نظریه

حقوقی.

دوره و سال چهاردهم نشراتی، پیاپی ۴۹، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۳
غالب (فصل نامه بین المللی مطالعات حقوقی، سیاسی و روابط بین الملل)



Research Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441



<<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>

DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.10>

Received: 20/ 02/ 2025

Accepted: 14/ 07/ 2025

Published: 22/ 07/ 2025

PP: 221 - 235

Ghalib

An Examination of Peremptory Norms of International Law in Enforcing the Rule of Law over the United Nations Security Council: Fundamental Strength or Structural Weakness



Ali Asghar Modaber¹

Abstract

Peremptory norms of international law reflect the legal concept of the international community in its modern, evolved form. It appears that this community has to some extent overcome its previous fragmentation and disunity and has genuinely come under the rule of international law. The contemporary international community, through the transformations it has undergone, has found its identity in the values upon which its very existence depends. This paper addresses the necessity for the United Nations Security Council to adhere to peremptory norms and seeks to answer the central question: Has the Security Council fulfilled its obligations regarding compliance with peremptory norms or erga omnes obligations? It is hypothesized that, based on the referential framework predicting the obligation to observe peremptory norms or erga omnes obligations, the Security Council has in some instances adhered to such norms and in others has failed to do so. Accordingly, employing the hermeneutic method of legal analysis as well as legal theory (including legal reasoning, contradictions, conflicts, and content analysis), the study concludes that: based on the referential approach, the Security Council is indeed bound to observe peremptory norms (erga omnes obligations). However, under the approach based on the Council's practice, it becomes evident that its commitment to general international law and the United Nations Charter has not been consistent.

Keywords: International community, international law, Security Council, peremptory norm, legal theory.

¹ Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law and Political Science, Herat University, Herat, Afghanistan
(modaber1985@yahoo.com)



This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License

۱. مقدمه

اساساً اقتضای یک نظم واقعی و حقیقی بین المللی را باید در وجود قواعد بین المللی جست و جو نمود. جنس نظام حقوقی هر کشور، حد و حدود قراردادن آزادی های تابعان از طریق وضع قواعد و مقررات است تا عمل کرد نان را مشخص و معین نمایند. با نگاهی ژرف بینانه به این محتوا است که به گونه یی صریح از حقوق بین الملل عام و منشور ملل متحد به عنوان یک نظم خاص که تجلی امری بودن آن را می طلبد یادآوری گردیده است. با توجه به ضرورت وجود قواعد امره حقوق بین الملل در شاکله نظم جهانی به عنوان قواعد حیاتی و بنیادین، ضرورت بررسی جایگاه قاعده امره و رعایت آن از سوی شورای امنیت را می طلبد. حال با توجه به تبیین کلی موضوع، قواعد امره بین المللی، مجموعه قواعد و مقررات بین المللی غیرقابل تخطی است، که برای همه تابعان حقوق بین الملل فارغ از پذیرش یا اعتراض به آنها لازم الاجرا هستند. این نظام دربرگیرنده تابعان حقوق بین الملل از جمله دولت ها و سازمان های بین المللی می باشد. مهم ترین موضوعی که در این چهارچوب مطرح می شود، مسأله رعایت قواعد امره است. نکته یی که باید بدان توجه داشت این است، که در صورت تعارض میان دو نظام حقوق بین الملل عام یا قواعد امره با حقوق بین الملل خاص مسأله حل تعارض آن چه گونه خواهد بود. برای مثال ماده ۳۹ منشور یا ماده ۱۰۳ منشور متضمن مقرره های هستند که ممکن است استدلال شود منتج به برتری نظام خاص بر نظام عام می شود. در این حالت حرکت نظام و اجرای قاعده چه وضعیتی پیدا خواهد کرد؟ آیا در حل این تعارض باید به ارزش متعالی نظام بین المللی توجه داشت؟

در رابطه با پیشینه موضوع باید یادآور شد، این که هرچند بررسی مسأله قواعد امره در حقوق بین الملل سابقه دیرینه یی دارد، بدین معنا که از زمان مذاکرات ایجاد سازمان ملل متحد تاکنون مطرح بوده است، بناءً متون حقوقی مختلفی در زمینه قواعد امره مطرح گردیده است؛ اما این منابع از یک طرف به شکل محدود بحث شده اند، که مهم ترین این منابع عبارت اند از: دکتر هدایت الله فلسفی، تحت عنوان *صلح جاویدان و حکومت قانون*، دکتر امیر ساعد وکیل تحت عنوان *ضمانت اجراهای حقوقی بنیادین بشر*، دکتر محمدحسین زارع تحت عنوان *حاکمیت قانون در اندیشه های حقوقی و سیاسی*، از طرف دیگر منابع فوق الذکر به طور کلی به حکومت قانون و قواعد عام آن پرداخته اند؛ بنابراین تحقیق حاضر به صورت خاص به بررسی قواعد عام حقوق بین الملل و رعایت آن از سوی شورای امنیت خواهد پرداخت.

در چهارچوب نظام حقوق بین الملل عام بررسی دو موضوع اهمیت دارد؛ اول این که آیا شورای امنیت ملزم به رعایت قواعد امره بین المللی است و این که شورای امنیت به تعهدات خویش در زمینه رعایت قاعده امره به عنوان قاعده یی که حد و حدود عمل کردها را مشخص می نماید، عمل نموده

است؟ بررسی این مسائل کمک زیادی به درک به‌تر از حوزه‌های خاص محدودکننده شورای امنیت و میزان اثرگذاری آن‌ها بر فعالیت این شورا می‌کند. نگارنده با استفاده از روش هرمنوتیک حقوقی (فهم قاعده) و نظریه حقوق به چهار مؤلفه متودولوژیک توجه نموده است. نخست: تحلیل حقوقی که به مفهوم و جای‌گاه قاعده آمره پرداخته است. ثانیاً: به روش‌شناسی حقوقی، یعنی به محدودیت‌ها، تعارضات و استدلال‌های حقوقی در زمینه لزوم تبعیت شورای امنیت از قواعد آمره پرداخته و ثالثاً: با نگاه تحلیل محتوای حقوقی به قاعده آمره به‌عنوان ارزش متعالی موضوع به دست بررسی گرفته شده است.

یافته تحقیق نشان می‌دهند که قواعد آمره بین‌الملل در چهارچوب نظام حقوق بین‌الملل از جای‌گاه خاصی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که مواد ۵۳-۶۴ به قواعد آمره به‌عنوان تعهدات عام‌الشمول می‌پردازد و این قواعد غیرقابل تخطی پیش‌بینی گردیده است. در زمینه رعایت این تعهدات از سوی شورای امنیت باید گفت، این که عمل کرد شورای امنیت یک‌سان نبوده و در قضایا و حالات مختلفی این تعهدات غیر قابل تخطی نقض گردیده است. بدین‌منظور که این قواعد تا هنوز از نهادهای لازم‌برخوردار نگریده است. قابل یادآوری است که نگارنده تحقیق به دنبال تفکیک قواعد آمره با قواعد عام بین‌الملل و سایر قواعد نبوده است؛ بلکه به دنبال لزوم رعایت قواعد آمره به‌عنوان قواعد عام حقوق بین‌الملل از سوی شورای امنیت بوده است.

۲. چهارچوب نظری

حکومت قانون یکی از اصول مهم سیاسی و حقوقی است، که بشر از دیرباز در پی تحقق آن بوده است (زارعی، ۱۳۸۰: ۵۲). نظریه حکومت قانون از یک طرف نظم مطلوب جامعه را مستقر می‌شود و از طرف دیگر خودسری‌ها را می‌کاهد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۷۹). حکومت قانون در نظام بین‌الملل با دو روی‌کرد شکلی و ماهوی آن بروز نموده است (مدبر، ۱۳۹۵: ۱۵). در زمینه نظریه حکومت قانون در نظام بین‌الملل باید به سه رهیافت نظری در سه سطح پرداخت. یکی «حکومت قانون در سطح بین‌المللی» دیگری «حکومت حقوق بین‌الملل» و درنهایت «حکومت قانون جهانی» به‌شمار می‌رود. رهیافت اول که عبارت از حکومت قانون در سطح بین‌المللی است، منظور آن اعمال اصل حکومت قانون بر روابط بین دولت‌ها و دیگر تابعان حقوق بین‌الملل است، که در برگیرنده مواردی هم‌چون استناد و تکیه به قانون در مقابل اختیارات خودسرانه در روابط بین‌المللی، جای‌گزین روش‌های حل و فصل مبتنی بر حقوق به جای روش‌های مبتنی بر زور محسوب می‌گردد. بدین‌اساس چنین رهیافتی موجب تقویت همکاری‌های بین‌المللی با حفظ، ارتقا و ارزش‌های آزادی و کرامت بشری خواهد گردید (Bishop, 1961: 553). نتیجه چنین رهیافتی هم می‌تواند زمینه برتری حقوق بین‌الملل بر

حقوق داخلی را فراهم نماید. ره یافت دوم این که حکومت قانون در نظام بین الملل را می توان در قالب «حکومت حقوق بین الملل» مشاهده نمود. این نگاه گفت‌مانی بدون تردید از غلبه حقوق بین الملل بر حقوق داخلی خبر می دهد، که تجلی آن را می توان در سازوکارهایی هم چون اتحادیه اروپا دید. باید یادآور شد این که چنین نهادهایی قبل از این که شامل سازمان های بین المللی گردند، در قالب نهادهای شبه دولتی سازوکاری دارند. سومین ره یافت حکومت قانون در نظام بین الملل، ره یافت «حکومت قانون جهانی» است. این ره یافت ظهور رژیم ارزشی و هنجاری است که افراد را به صورت مستقیم و بدون واسطه رسمی از طریق نهادهای ملی موجود، متأثر می کند.

قواعد حقوق بین الملل عام، که تجلی این ره یافت ها در قالب نظریه حکومت قانون در نظام بین الملل است، انعکاس کننده آن نظام ارزشی و هنجاری است که بدون واسطه (غیر قابل تخطی) قابل اعمال خواهد بود؛ البته باید یادآور شد که چنین دسته بندی در حقوق بین الملل نسبت به حقوق داخلی در مراحل اولیه توسعه قرار دارد (Chesterman, 2008: 356-357)؛ به عبارت دیگر، حکومت قانون در سطح بین المللی، نه تنها در سطح ارزشی، بل که در سطح کاربردی هم متباز گردیده است (Beaulac, 2008: 198).

حکومت قانون در سطوح مختلف بین المللی خاصاً در سطح قواعد عام و امره بین المللی تا حدود زیادی در ویژه گی های نظام بین الملل انعکاس یافته و در مسیر نهادینه شدن است. قواعد امره معیاری برای مشروع و یا نامشروع بودن تعهدات بین المللی به شمار می رود (تریلوی، ۱۴۰۰: ۲۲۴).

۳. جایگاه قاعده امره در نظام بین الملل

قاعده امره حقوق بین الملل مبین مفهوم حقوقی جامعه بین المللی در صورت تحول یافته امروزی است. چنین می نماید که این جامعه در حال حاضر تا حدودی از پراکنده گی و گسیخته گی به در آمده و به راستی تابع حقوق بین الملل شده است.

هیچ شکی نیست که اندیشه قواعد امره قدمت بیش تری از خود مفهوم حقوق بین الملل مدرن دارد؛ حتا گاهی در این خصوص به تفکیک های حقوق روم بین حقوق محض و حقوق وضعی اشاره می شود. حقوق دانان قرون ۱۷ و ۱۸ از وجود بی تردید این گونه قواعد و برتری آن ها بر اراده دولت ها سخن می گفتند. جامعه بین المللی امروزی با تحولاتی که در آن پدید آمده، هویت خود را در ارزش هایی یافته است که موجودیتش بر آن ها متکی است (فلسفی، ۱۳۹۲: ۵۵۳).

نظر مشورتی محکمه بین المللی عدالت، درباره وارد کردن شرط بر معاهده منع و سرکوب نسل کشی و در قضایای بارسلونا تراکشن و نیکاراگوئه به صورت تلویحی به این مفهوم اشاره کرده است (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۸: ۱۷۶). مواد ۵۳ و ۵۴ کنوانسیون حقوق بین الملل معاهدات وین ۱۹۶۹م

به گونه صریح به قاعده آمره پرداخته است. صراحت مواد متذکره از این قرار است که قاعده آمره عام، قاعده‌یی است که به وسیله اجماع جامعه بین المللی کشورها به عنوان قاعده‌یی تخلف ناپذیر که تنها توسط یک قاعده بعدی حقوق بین الملل عام با همان ویژه گی قابل تعدیل است، پذیرفته و به رسمیت شناخته شده است (موسی زاده، ۱۳۹۸: ۱۹۸). محکمه بین المللی عدالت در رأی خود در قضیه کنگو علیه روندا (۲۰۰۶م) برای اولین بار به صورت صریح و مستقیم وجود این قواعد را شناسایی کرده و از ممنوعیت نسل کشی به عنوان یک قاعده آمره نام برده است (ICJ, 2006: 32-52).

کمیسیون حقوق بین الملل نیز بیان داشته که مفهوم قواعد امری حقوق بین الملل عام در رویه بین المللی، رویه قضایی محاکم ملّی و بین المللی و دکتترین حقوقی مورد شناسایی قرار گرفته است. باین وجود، هنوز به لحاظ نظری در زمینه حوزه اعمال و محتوای قواعد آمره مباحث زیادی وجود دارند و نمی توان شاهد حصول یک توافق گسترده در این خصوص بود. مع ذلک بدون شک توسعه مفهوم قواعد آمره حقوق بین الملل تحت تأثیر مفاهیم مربوط به نظم عمومی در حقوق داخلی بوده است.

مفهوم قاعده آمره فقط مرتبط با حقوق معاهدات یا حقوق غیر قابل نقض دولت‌ها نیست (فلسفی، ۱۴۰۱: ۱۳۹۰-۱۴۰۲). قاضی دوگارد در نظر انفرادی خود در قضیه فعالیت‌های مسلحانه در کنگو اظهار داشته است که قواعد آمره یک قالب یا شکل حقوقی به سیاست‌ها یا اهداف بسیار اساسی جامعه بین المللی می‌دهند. قواعد آمره منافع موجود جامعه حقوقی بین المللی را که جدای از منافع جمعی حاکمیتی اعضای آن جامعه است، نشان می‌دهند. قواعد آمره منعکس کننده ارزش‌های اساسی نظام حقوقی بین المللی مربوط به صلح و امنیت بین المللی و همچنین بیان گر نظریه عدالت بین المللی در جامعه حقوقی بین المللی است (Wheatley, 2006: 538). بیگاری قواعد آمره برای حفظ ارزش‌ها و منافی که برای جامعه بین المللی به عنوان یک کل اهمیت اساسی دارند، مطرح شده‌اند و از آن‌جا که این قواعد از منافع جامعه در مقابل منافع فردی دولت‌ها محافظت می‌کنند، دارای اعتبار مطلق هستند (وکیل، ۱۳۹۰: ۳۹). همان طوری که در فوق به تعریف و تبیین قواعد حقوق بین الملل عام طبق مواد ۵۳ و ۵۴ پرداختیم، در ادامه همین موارد به مسأله تعارض میان معاهدات بین المللی و قواعد بین المللی خواهیم پرداخت، که به صراحت این گونه بیان شده است که معاهدات متعارض با این قواعد معتبر نیستند. برخی از فقدان چنین مقرره صریحی در خصوص اعمال و قواعد ناشی از منابع غیر از معاهدات را به این معنا گرفته اند که اثر این قواعد به اعمال غیر معاهداتی از جمله اعمال شورای امنیت تسری پیدا نمی‌کند؛ معهذ به سختی می‌توان چنین دیدگاهی را پذیرفت. به طور کلی این اذعان وجود دارد که مفهوم قواعد آمره به خارج از حوزه حقوق معاهدات نیز تسری می‌یابد و مبنای ماهوی چنین روی کردی در دکتترین هم دیده می‌شود (والاس، ۱۴۰۱: ۳۸۲). براین اساس،

شورای امنیت باید قواعد آمره را رعایت نماید؛ زیرا ارزش‌های اصلی‌یی که توسط این قواعد حفاظت می‌شوند با استناد به قواعد عادی قابل تخطی نیستند. اصولاً قطع‌نامه‌های شورای امنیت، که قواعد آمره را در نظر نمی‌گیرد، درواقع آن را باطل می‌کند. این مطلب گویای تلاشی هدف‌مند در راستای تبیین نظام حقوقی جدیدی است، که از طریق سازوکاری معین در قالب یک قطع‌نامه مخالف قواعد آمره به وجود می‌آورد.

۴. نظام معاهداتی و تعهدات شورای امنیت

مقررات کنوانسیون وین حقوق معاهدات، که بسیاری از آن‌ها منعکس‌کننده حقوق عرفی هستند بر اسناد تأسیس سازمان‌های بین‌المللی از جمله منشور ملل متحد هم اعمال می‌شود.

از آن‌جا که سازمان ملل متحد یک نهاد معاهداتی مبتنی بر منشور است، باید در چهارچوب کلی حقوق معاهدات عمل کند؛ بنابراین، مقررات منشور در خصوص صلاحیت‌های شورای امنیت باید به‌گونه‌یی تفسیر شود که با قواعد آمره منطبق باشد؛ و براین‌اساس، ممکن است محدودیت‌های ضمنی نیز بر صلاحیت‌های شورا وارد گردند.

در رابطه با منشور ملل متحد باید به ماده ۱۰۳ آن توجه داشت. اگرچه از یک طرف این ماده از اولویت تعهدات منشور بر تعهدات قراردادی دیگر سخن گفته است و از طرف دیگر استدلال می‌شود که تصمیم‌های شورای امنیت تعهدات منشوری هستند، اما در صورت تعارض بین تصمیم‌های شورا و تعهدات قراردادی یا غیرقراردادی، که متضمن یک قاعده آمره باشند، نمی‌توان به ماده ۱۰۳ منشور استناد کرد و براساس آن تصمیم شورای امنیت را بر این‌گونه تعهدات اولویت داد (بیگزاده، ۱۳۹۷: ۹۷). شورای امنیت با آگاهی از این که نقض قاعده آمره اتفاق افتاده است، اما تصمیمی را در حمایت از دولتی که مرتکب نقض شده اتخاذ می‌کند. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که شورا تدابیری را اتخاذ می‌کند بدون این که صراحتاً تمایل خود را به مخالفت با قاعده آمره اعلام کند.

گاهی نیز شورای امنیت بدون درنظرگرفتن قواعد آمره و تفکیک وضعیت‌ها اقدام به صدور قطع‌نامه کرده است؛ اگرچه شورا ملزم به تشخیص و محکوم‌کردن متجاوز نیست، اما نمی‌تواند حقوق دولت دیگری را نادیده بگیرد.

مواردی نیز وجود دارند که هرچند شورای امنیت مایل به اقدام متعارض با قاعده آمره نیست، اما حوادثی موجب این تعارض می‌شود که شورای امنیت به‌صورت ضمنی از نقض یک قاعده آمره حمایت می‌کند. گاهی در صحنه بین‌المللی یک یا چند دولت علیه یک یا چند دولت دیگر اعمالی انجام می‌دهند، که در توصیف حقوقی تشکیل‌دهنده نقض یک قاعده آمره است. در چنین وضعیتی تمامی تابعان نظام حقوقی باید اقدام‌هایی در مقابل این نقض انجام دهند. سازمان ملل متحد و

شورای امنیت نیز از این عکس العمل مستثنا نیستند. گاهی وضعیتی در شورای امنیت طرح می شود یا به گونه یی با آن ارتباط پیدا می کند، اما شورا به دلایلی در قبال آن وضعیت عکس العمل نشان نمی دهد؛ در این حالت ترک فعل شورا در تعارض ارزشی با رعایت قواعد آمره قرار دارد؛ به عبارت دیگر، فعل یا ترک فعل شورای امنیت نباید در تعارض با قواعد آمره باشد (Orakhelashvili, 2008: 67). در زمینه تخطی از قواعد آمره بین المللی هم ماده ۴۰ کنوانسیون مسؤولیت بین المللی دولت ها صراحتاً بیان شده است؛ این که نقض باید با قصور فاحش و نظام مند صورت گرفته باشد و دولت ها تلاش بر اعاده وضعیت ماقبل از نقض بنمایند و از به رسمیت شناختن آن امتناع ورزند (ابراهیم گل، ۱۳۹۷: ۲۴۰).

۵. تعهد شورای امنیت مبنی بر لزوم رعایت قواعد آمره

اساساً در جامعه بین المللی، توافقی از نوع «وفاق عام» مبنی بر لزوم رعایت قواعد آمره از سوی شورای امنیت وجود دارد. رویه شورای امنیت نشان می دهد این که: هم از طریق توجه به استثنائات بشردوستانه و هم از طریق محدوده اقدامات (تحریم های هدف مند) حاکی از آن است که صلاحیت آن کاملاً نامحدود نبوده و ملزم به رعایت حقوق مردمان کشور تحت تحریم است. در زمینه همین تحریم ها باید گفت که شورا گاهی یک دوره ۱۲ ماهه را برای محدوده زمانی تحریم، مشخص می کند. بعد از خاتمه این دوره زمانی، تحریم ها به صورت خود به خود ادامه نمی یابند؛ بنابراین، تصمیم جدید شورای امنیت هم می تواند ادامه تحریم ها باشد و هم می تواند تحریم های جدیدی اعمال کند. در مقابل در فقدان یک محدوده زمانی، تغییر تعلیق یا خاتمه تحریم ها می تواند بر مبنای تصمیم شورای امنیت مطابق با ماده ۲۷ منشور صورت گیرد. تحریم ها به لحاظ نظری زمانی خاتمه پیدا می کنند که دولت تحریم شده به صورت کامل به درخواست های شورای امنیت عمل کند (پیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰). لزوم تبعیت شورای امنیت از قواعد آمره هم چنین مبتنی بر یک استدلال منطقی است. بر این اساس، چنان چه دولت ها نتوانند از قواعد آمره تخطی نمایند، به طریق اولی سازمان های بین المللی هم نمی توانند. دلیل آن هم این است که سازمان های بین المللی هر چند واحدهایی مستقل و دارای حیات در جامعه بین المللی می باشند، اما توسط دولت ها ایجاد گردیده اند. الزام دولت ها به رعایت قواعد آمره در حال حاضر مورد پذیرش است و موارد اختلاف موجود بیش تر مربوط به مسائل شکلی، از جمله فهرست قواعد آمره یا حل و فصل اختلافات ناشی از عدم اجرای آن ها می باشند و ارتباطی با موضوع کلی و ماهوی آن، یعنی لزوم تبعیت از قواعد آمره ندارند (Bianchi, 2006: 887).

۶. تعارض تصمیمات شورای امنیت با قواعد آمره؛ برخورد نا معقول

وجود قواعد آمره معیاری و بنیادین در زمینه مشروع یا نامشروع بودن عمل کرد سازمان‌ها به‌شمار می‌رود. همان‌طوری که سازمان‌های بین‌المللی براساس توافق میان اعضا به‌وجود می‌آیند؛ ممکن است برخی از قواعد معمولی حقوق بین‌المللی را به دلیل نظر مصرح اعضا در سند تأسیس نادیده بگیرند. همان‌طوری که در فوق متذکر شدیم، در خصوص قواعد آمره دولت‌های عضو نمی‌توانند از کنار آن بگذرند و سازمانی ایجاد کنند، که از این قواعد تخطی کند؛ بنابراین، قواعد آمره یک محدودیت ذاتی بر صلاحیت‌های سازمان‌هاست (Orakhelashvili, 2008: 60).

مسئله دیگر این است که در زمان اعمال استدلال‌های فوق ممکن است تعارض بین یک قاعده آمره با قاعده آمره دیگری به‌وجود آید. به‌عنوان مثال، شورای امنیت مبادرت به تصویب قطع‌نامه‌یی جهت اعمال یک قاعده آمره می‌نماید، درحالی‌که پاره‌یی از مفاد قطع‌نامه یا اثر اجرایی آن‌ها در تعارض با یک قاعده آمره دیگر باشند. این یکی از حالات سه‌گانه تعارض قواعد آمره با سایر قواعد است؛ حالت اول: مربوط به تعارض بین قواعد قراردادی و قواعد آمره می‌شود، که این تعارض طبق ماده ۶۴ کنوانسیون وین حقوق معاهدات به نفع قواعد آمره حل می‌گردد؛ حالت دوم: مربوط به تعارض بین قواعد غیرامری حقوق بین‌الملل عرفی با قواعد آمره می‌شود، که براساس همان منطق مواد ۵۳ و ۶۴ کنوانسیون وین حقوق معاهدات به نفع قواعد آمره قابل حل است؛ حالت سوم: نیز مربوط به تعارض قواعد آمره با یک‌دیگر می‌شود. یافتن پاسخ به این مسئله ساده نیست. پاسخی که در وضعیت فعلی نظام حقوقی بین‌المللی می‌تواند به آن بدهد، این است که هیچ‌گونه سلسله‌مراتب مورد توافق بین‌المللی بین قواعد آمره وجود ندارد؛ البته به‌نظر می‌رسد که در صورت تعارض بین قواعد آمره مسئله ابطال یکی از آن‌ها مطرح نیست، بل که اولویت‌بندی ارزش‌های مورد حمایت مطرح می‌باشد (موسی‌زاده، ۱۴۰۲: ۲۰۸).

در خصوص این که چه قواعدی را می‌توان در زمره قواعد آمره مطرح کرد، دیدگاه‌های متنوعی وجود دارد. درواقع مسئله اصلی این است که معیارهای پذیرش یک قاعده به‌عنوان قاعده آمره چیست؟ در این خصوص باید به ماده ۵۳ کنوانسیون وین حقوق معاهدات نظر داشت؛ درحالی‌که مفاد این ماده به‌ویژه عبارات جامعه دولت‌ها و به‌عنوان یک کل نیز مورد بحث است. معیاد به‌طور کلی در خصوص برخی از قواعد یا تعهدات اشتراک نظر بیشتری وجود دارد، که منع نسل‌کشی حق تعیین سرنوشت مردم، ممنوعیت تجاوز، منع برده‌داری و تجارت برده، منع تبعیض نژادی، ممنوعیت جنایت علیه بشریت، ممنوعیت شکنجه، قواعد اساسی حقوق بشردوستانه، ممنوعیت دزدی دریایی، از مهم‌ترین موارد می‌باشند. در پایان باید اشاره داشت، که لزوم تبعیت شورای امنیت از قواعد آمره

به عنوان نماد اصلی حقوق بین الملل عام و پایه های نظم حقوقی بین المللی انعکاس مستقیم حکومت قانون بین المللی در کل و حکومت قانون بر شورای امنیت به طور خاص می باشد.

۷. مصداق های نقض قاعده آمره با تصمیم های شورای امنیت؛ وضعیت عینی

باتوجه به ماهیت قواعد آمره، که می توان به اثر ذاتی و مستقل آن پی بُرد، وجود این قواعد می تواند زمینه نظم واقعی را برقرار سازد. بدون تردید تمامی تابعان حقوق بین الملل از جمله سازمان ملل متحد و ارکان آن ملزم به رعایت این قواعد هستند؛ یعنی مجاز به تخطی نیستند. حال در زیر به بررسی تصمیم شورای امنیت، مسأله نقض یا عدم قواعد آمره از سوی این شورا خواهیم پرداخت:

گاهی مشاهده می شود باتوجه به آگاهی شورای امنیت از نقض قاعده آمره، به دلیل اتخاذ تدابیر از دولت مرتکب نقض قاعده آمره حمایت می کند. همان طوری که در فوق ذکر نمودیم، مانند اختلاف میان یونان و ترکیه، باتوجه به این که ترکیه به یونان حمله نظامی نموده بود، شورا طی قطع نامه (۱۹۷۴) ۳۵۴ از هر دو طرف خواست که به حملات خود پایان دهد. در برخی از مواقع دیگر یک یا چند دولت علیه یک یا چند دولت دیگر اعمالی انجام می دهند که در توصیف حقوقی تشکیل دهنده نقض قاعده آمره است؛ مانند دفاع استرالیا از تصمیم خود مبنی انعقاد معاهده ۱۹۸۹ تی مور شرقی با اندونزی با توجه به این که تی مور شرقی از سوی اندونزی اشغال گردیده بود.

حالت دیگری که نقض قاعده آمره با تصمیم شورای امنیت مشاهده می شود، در زمینه اعتباربخشیدن ضمنی بعدی قطع نامه به نقض قاعده آمره است؛ مانند این که معاهده در اثر زور یا تهدید منعقد گردد و بعداً به نوعی برای آن اعتبار داده شود؛ مانند معاهده اکتبر ۱۹۹۸ یوگوسلاوی سابق در زمینه بازگشت پناهنده گان در کوزوو که با تهدید امریکا و کوزوو منعقد شد. وضعیت دیگری را که می توان در زمینه نقض قاعده آمره مطرح نمود، این است که شورای امنیت با صدور قطع نامه یی وضعیت غیرقانونی را شناسایی می کند، که منجر به نقض قاعده آمره شده است، که می توان آن را در قطع نامه تأیید شده صلاحیت نماینده عالی در بوسنی دید؛ و در نهایت عمل کرد دیگری که می تواند منجر به نقض قواعد آمره از سوی شورای امنیت گردد، مربوط به فصل هفتم منشور است، که با اعمال ماده ۴۱، یعنی تحریم های همه گانی زمینه نقض حقوق مردمان فراهم می شود (Orakhelashvili, 2006: 72-76).

در نهایت مشاهده می شود که شورای امنیت در اوضاع و احوال متفاوت، قواعد آمره بین المللی را نقض می نماید. به نظر می رسد که سازوکارهای نظارتی بر عمل کرد شورای امنیت از طریق نهادهای داخلی و خارجی افزایش یابد (ظریف و سجادیپور، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

۸. مناقشه

صلح و امنیت بین المللی یکی از مفاهیم متعالی بین المللی محسوب می گردد. بدین اساس توجه به قاعده آمره به عنوان پایه های نظم حقوقی جامعه بین المللی که معیاری برای حد و حدود عمل کرد نظام بین الملل است، تبعیت از آن برای تمامی تابعان الزامی است؛ حال شورای امنیت به عنوان محوری ترین نهاد مجری قواعد بین المللی باید با رعایت قواعد به اجرای قواعد از طریق تصامیم خویش بپردازد. باتوجه به مطالب متذکره، به دو رویکرد مناقشیهی موافق و مخالف الزام شورای امنیت به تبعیت از تعهدات ناشی از قواعد آمره به عنوان حقوق بین الملل عام می پردازیم: یکی از رهیافت های موافقان الزام شورای امنیت به تعهدات ناشی از حقوق بین الملل عام و آمره در رابطه با محدودیت های محتوایی بر اقدامات شورای امنیت مطرح گردیده است، که به عنوان یکی از ارکان سازمان ملل متحد در چهارچوب حقوق بین الملل عام عمل نماید.

استدلال از این قرار است که اقدامات نیروهای ملل متحد باید بر طبق قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه صورت گیرد و اقدام های اجرایی باید طبق قواعد عام مربوط به اقدام متقابل باشند. مشکل از آنجا ناشی می گردد که صلاحیت شورای امنیت به استناد فصل هفتم منشور تا حدی وسیع و گسترده تر از صلاحیت دولت ها در توسل به نیروی نظامی یا اقدام متقابل است.

قاضی لوئر پاخت یکی از حقوق دانان کارکشته حقوق بین الملل به عنوان موافقان الزام شورای امنیت به تبعیت از حقوق بین الملل عام در قضیه بوسنی بیان می دارد که: اصول حقوق بین الملل عام بر رفتار شورای امنیت اعمال خواهد شد، حتی اگر در منشور صراحت نداشته باشد؛ براین اساس سازمان ملل متحد پذیرفته است که در زمان اقدام طبق فصل هفتم منشور شورای امنیت باید طبق اصول عام حقوق بشردوستانه عمل نماید. نظام رویه قضایی بین الملل هم حکم بر صحت موضوع فوق الذکر می گذارد. صراحت محکمه بین المللی عدالت در رابطه با این که سازمان های بین المللی تابع حقوق بین الملل هستند و متعهد به رعایت قواعد حقوق بین الملل عام می باشند، دال بر صحت موضوع است. رویکرد دیگر به عدم الزام شورای امنیت به تبعیت از قواعد حقوق بین الملل عام می پردازد. استدلال از آنجا ناشی می شود که هیچ مقرره ای از منشور ملل متحد به الزام شورای امنیت به تبعیت از قواعد حقوق بین الملل عام وجود ندارد.

بدین اساس اقتضای موضوع حفظ صلح و امنیت بین المللی می طلبد که شورای امنیت برای هر اقدامی جهت تأمین آن آزاد است؛ اگرچه استدلال متذکره می تواند با بند ۲ ماده ۲۴، که می نگارد این که: «شورای امنیت در اجرای وظایف خویش طبق اصول و اهداف منشور عمل نماید»، مغایر است. حال آن که عده یی معتقد اند، که این اقدام متناسب با منشور باشد نه حقوق بین الملل عام.

استدلال دیگر مخالفان استناد به رأی مشورتی محکمه بین المللی عدالت در قضیه نامبیا در زمینه عدم محدودیت شورای امنیت است؛ این که محدودیت شورای امنیت صرف به اصول و اهداف منشور ملل متحد است، نه حقوق بین الملل عام. گاهی جهت اثبات عدم محدودیت شورای امنیت از حقوق و مسؤولیت بهره گرفته است؛ بدین معنا که شورای امنیت طبق فصل هفتم و جهت تأمین آن می تواند به اقدامات غیرقانونی متوسل شود، اما باید یادآور شد که نمی توان اقدامات غیرقانونی را به عنوان مقابله به مثل قابل توجیه دانست.

در نهایت باید به استناد مواد اول، دوم، بند دوم ماده ۲۴ و در نهایت فصل هفتم منشور و پذیرش رویه قضایی مبنی بر تمکین شورای امنیت نسبت به قواعد بین الملل، به ویژه قواعد آمره حقوق بین الملل، روی کرد موافقان الزام شورای امنیت به تبعیت از قواعد حقوق بین الملل عام را بر مخالفان آن ترجیح داد و از طرفی هم باید یادآور شد که با پذیرش نسبی محدودیت های ناشی از اصول حقوق بین الملل عام این محدودیت ها هم مطلق نمی باشد.

۹. نتیجه گیری

برای پاسخ به پرسش های تحقیق باید گفت این که ضمن پذیرش و نهادینه شدن قواعد آمره در نظم کنونی جهانی، طبق نظام استنادی، شورای امنیت ملزم به رعایت قواعد آمره در قالب حقوق بین الملل عام است و مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما طبق نظام رویه شورای امنیت، مشاهده می شود که رعایت قواعد آمره به عنوان حقوق بین الملل عام و منشور ملل متحد از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد ثابت نبوده است. شورا گاهی تصمیم هایی را اتخاذ کرده است، که به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در تعارض با قواعد آمره بوده است؛ مع هذا شورا طی سال های اخیر به صورت عملی یا نظری، به رعایت حقوق توجه بیش تری داشته است. در واقع رعایت استثنائات بشردوستانه و تعیین محدوده زمانی توسط شورای امنیت در قطع نامه های اعمال کننده تحریم، نشان می دهند که شورا در جهت احترام به حقوق و کسب مشروعیت تصمیم های خود عمل می نماید. مشکل اساسی یی که در این جا وجود دارد، مربوط به اجرای این اصل در نظام ملل متحد می شود. قواعد صریحی برای تعیین نهاد کنترل اعتبار تصمیم های شورا، به صورت مداوم وجود ندارد. در خصوص محدودیت های شورای امنیت باید گفت که برخی از این محدودیت ها ناشی از کل ساختار نظام حقوقی بین المللی می باشند. باید یادآور شد که این محدودیت ها تنها منحصر به حکومت قانون بر شورای امنیت نبوده، هر گونه بررسی ورود حکومت قانون به سطح بین المللی و نهادهای بین المللی را در بر می گیرد. برخی از محدودیت ها هم بیش تر مربوط به حوزه خود شورای امنیت می گردند، که در واقع ناشی از وضعیت، جای گاه و ویژگی های خاص شورای امنیت هستند. شورای امنیت نهادی با ویژگی های خاص است

و اختلاف نظر فراوانی نسبت به کارکرد آن به عنوان دولت جهانی، قانون گذار یا رکن شبه قضایی وجود دارد. این که حکومت قانون در شورای امنیت چه سطحی و محدودیت های شکلی و محتوایی آن شامل کدام موارد اند، در یک مقاله جداگانه ضرورت به بررسی خواهد داشت.

۱۰. پیش نهاد

باتوجه به اهمیت صلح و امنیت جهانی و ضرورت تأمین آن از طریق سازوکارهای تعهداتی برای نویسندگان و پژوهشگران آینده پیش نهاد می شود که می توانند در جهت کاربردی ترشدن رعایت قواعد امره بین المللی و لزوم رعایت آن ازسوی تمامی تابعان نظام بین الملل، به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد به سازوکارهای نظارتی و ضمانت اجراهای لازم آن در زمینه جلوگیری از نقض آن قواعد پرداخته شود. به نظر نگارنده، پیش نهاد متذکره از چنان اهمیتی برخوردار است که در عصر کنونی بدون تمکین به این قواعد نمی توان شاهد نظم واقعی جهان بود. بایستی تمامی تابعان حقوق بین الملل به ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد به رعایت این قواعد بنیادین تن دهد. تأمین و تضمین آن با سازوکارهای نظارتی و شناسایی ضمانت اجراهای لازم امری الزامی قلمداد می گردد.

ORCID

Ali Asghar Modaber



<https://orcid.org/0009-0006-1334-7902>

ارجاع به این مقاله (APA):

. مدبر، علی اصغر. (۱۴۰۴). «بررسی قواعد امره حقوق بین الملل در اعمال حکومت قانون بر شورای امنیت سازمان ملل متحد؛ قوت بنیادین یا ضعف ساختاری». فصل نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۴(۲). ۲۳۱-۲۳۵.
<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.10>

To Cite this Article (APA):

. Modaber, Ali Asghar. (2025). "An Examination of Peremptory Norms of International Law in Enforcing the Rule of Law over the United Nations Security Council: Fundamental Strength or Structural Weakness". *Ghalib Journal*. 14(2). 221-235.
<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.14.I.2.10>

سرچشمه ها

۱. ابراهیم گل، علی رضا. (۱۳۹۷). **مسئولیت بین المللی دولت ها**. تهران: شهر دانش.
۲. بیگزاده، ابراهیم. (۱۳۹۷). **حقوق سازمان های بین المللی**. تهران: انتشارات مجد.
۳. پیرزاده، نادر. (۱۳۹۰). «**خاتمه تحریم های سازمان ملل متحد و امکان رجوع به دیوان بین المللی دادگستری**». (پایان نامه کارشناسی ارشد). تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

۴. تریلوی، هیو. (۱۴۰۰). **منابع حقوق بین الملل**. ترجمه علی اصغر مدبر، هرات: پوهنتون هرات.
 ۵. زارعی، محمدحسین. (۱۳۸۰). «**حاکمیت قانون در اندیشه های سیاسی و حقوقی**». [دوفصل نامه علمی حقوق تطبیقی](https://law.mofidu.ac.ir/article_239423.html). ۶۸-۵۱، (۱)، ۶۸-۵۱. https://law.mofidu.ac.ir/article_239423.html
 ۶. ساعد وکیل، امیر. (۱۳۹۰). **ضمانت اجرای حقوق بنیادین بشر**. تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
 ۷. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۴۰۳). **حقوق بین الملل عمومی**. چ هشتاد و دوم. تهران: انتشارات جنگل.
 ۸. ظریف، محمدجواد؛ سجادیپور، سیدمحمد کاظم. (۱۳۹۵). **دیپلماسی چندجانبه پویایی مفهومی و کارکردی سازمان های منطقه یی و بین المللی**. تهران: نشر وزارت امور خارجه.
 ۹. فلسفی، هدایت الله. (۱۳۹۱). **حقوق بین الملل معاهدات**. تهران: فرهنگ نشر نو.
 ۱۰. فلسفی، هدایت الله. (۱۳۹۳). **صلح جاویدان و حکومت قانون**. تهران: فرهنگ نشر نو.
 ۱۱. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۵). **حکومت قانون و جامعه مدنی**. تهران: دانش کده حقوق و علوم سیاسی دانش گاه شهید بهشتی.
 ۱۲. مدبر، علی اصغر. (۱۳۹۵) **حکومت قانون در نظام حقوقی افغانستان در پرتو اسناد حقوق بین الملل**. رساله دکتری. تهران: دانش گاه شهید بهشتی.
 ۱۳. والاس، ربکا. (۱۴۰۳). **حقوق بین الملل عمومی**. ترجمه سید قاسم زمانی و مهناز بهراملو. تهران: انتشارات شهر دانش.
 ۱۴. موسی زاده، رضا. (۱۴۰۲). **حقوق بین الملل عمومی**. تهران: انتشارات میزان.
- 15-Beaulac, Stephane, "The Rule of law in International law Today" in: Gianluggi Palombella and Neil Walker (ed) Relocating The Rule of law (Oxford: Hart Publishing) 2008,pp,197-223
- 16- Bishp, William W, " The International Rule of law " MICHLR, Vol.59,1961,pp553-574
- 17-Chesterman, Simon, " An International Rule of law?" AJCI, Vol, 56, No. 2, pp. 331-361
- 18-Orakhelashvili, A. (2006). The impact of peremptory norms on the interpretation and application of United Nations Security Council resolution. *European Journal of International Law*, 17(1), 59-88.
- 19-Wheatley, S. (2006). The Security Council, democratic legitimacy and regime change in Iraq. *European Journal of International Law*, 17(3), 531.

References

1. Ebrahim, Gol Alireza. (2018). *State Responsibility in International Law*. Tehran: Shahr-e Danesh. [In Persian]

2. Beigzadeh, Ebrahim. (2018). *Law of International Organizations*. Tehran: Majd Publications. [In Persian]
3. Pirzadeh, Nader. (2011). *Termination of UN Sanctions and the Possibility of Recourse to the International Court of Justice* (Master's thesis). Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]
4. Trebilcock, Hugh. (2021). *Sources of International Law*. Translated by Ali Asghar Modabber. Herat: Herat University. [In Persian]
5. Zarei, Mohammad Hossein. (2001). "Rule of Law in Political and Legal Thought." *Comparative Law Journal*, 0(1), 51–68. https://law.mofidu.ac.ir/article_239423.html [In Persian]
6. Saed Vakil, Amir. (2011). *Enforcement of Fundamental Human Rights*. Tehran: Mizan Legal Foundation Publications. [In Persian]
7. Ziaee Bigdeli, Mohammad Reza. (2024). *Public International Law* (82nd ed.). Tehran: Jangal Publications. [In Persian]
8. Zarif, Mohammad Javad; Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem. (2016). *Multilateral Diplomacy: Conceptual and Functional Dynamics of Regional and International Organizations*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. [In Persian]
9. Falsafi, Hedayatollah. (2012). *Law of Treaties in International Law*. Tehran: Farhang Nashr-e No. [In Persian]
10. Falsafi, Hedayatollah. (2014). *Perpetual Peace and the Rule of Law*. Tehran: Farhang Nashr-e No. [In Persian]
11. Katouzian, Nasser. (2006). *Rule of Law and Civil Society*. Tehran: Faculty of Law and Political Science, Shahid Beheshti University. [In Persian]
12. Modabber, Ali Asghar. (2016). *Rule of Law in Afghanistan's Legal System in Light of International Legal Instruments* (Doctoral dissertation). Tehran: Shahid Beheshti University. [In Persian]
13. Wallace, Rebecca. (2024). *Public International Law*. Translated by Seyed Ghasem Zamani and Mahnaz Bahramlou. Tehran: Shahr-e Danesh. [In Persian]
14. Mousazadeh, Reza. (2023). *Public International Law*. Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
15. 15-Beaulac, Stephane, "The Rule of law in International law Today" in: Gianluggi Palombella and Neil Walker (ed) *Relocating The Rule of law* (Oxford: Hart Publishing) 2008,pp,197-223
16. 16- Bishp, William W, " The International Rule of law " MICHLR, Vol.59,1961,pp553-574
17. 17-Chesterman, Simon, " An International Rule of law?" AJCI, Vol, 56, No. 2, pp. 331-361
18. 18-Orakhelashvili, A. (2006). The impact of peremptory norms on the interpretation and application of United Nations Security Council resolution. *European Journal of International Law*, 17(1), 59–88.
19. 19-Wheatley, S. (2006). The Security Council, democratic legitimacy and regime change in Iraq. *European Journal of International Law*, 17(3), 531.